

عنوان مقاله:

تضاد میان آموزش و پرورش و جامعه؛ بررسی کتاب فارسی اول دبستان

محل انتشار:

فصلنامه علوم اجتماعی، دوره 1، شماره 1 (سال: 1370)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسنده:

شهلا اعزازی - عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

خلاصه مقاله:

به دنبال تغییرات شدیدی که در قرن نوزدهم در جوامع صنعتی به وجود آمد، ضرورت سواد برای افراد جامعه مطرح شد و بتدریج مورد قبول اکثر کشورهای جهان قرار گرفت، به نوعی که امروزه تقریباً تمام کودکان در اثر وارد شدن به مدرسه، سواد و تخصص های لازم را کسب می کنند و به صورت افراد با سواد فعالیت های اجتماعی خود را در جامعه انجام می دهند. در اثر ورود کودکان به مدارس تغییر اساسی در چگونگی و همچنین کیفیت آموزش به وجود آمد. آموزش که برای دورانی طولانی یکی از کارکردهای خانواده گسترده بود، از صورت خصوصی و خانوادگی خارج شد و در اثر واگذاری به نهاد آموزش و پرورش به پدیده ای عمومی تبدیل شد. سواد و کسب تخصصی که در دوران قبل امتیاز خاص طبقات مرفه جامعه بود، برای عموم افراد جامعه آزاد گشت. دیگر خانواده شخصاً در مورد ضرورت و چگونگی آموزش کودکان تصمیم نمی گرفت، بلکه جامعه از طریق آموزش و پرورش بر ضرورت سواد و یادگیری مهارت ها برای تمام افراد تأکید کرده و در عین حال چگونگی آموزش کودکان هم به صورت امری اجتماعی مطرح شد. کودکان جامعه باید بر طبق نیازهای جامعه پیچیده امروزی مهارت هایی را که برای زندگی در جامعه لازم است از طریق دبستان فرا گیرند. وظیفه دبستان فقط آموزش سواد به کودکان نیست، بلکه با توجه به بررسی های علوم مختلف امروزه ثابت گشته که رشد و پرورش جسمی، روانی و اجتماعی کودک نیز از کارکردهای اساسی مدرسه می باشد. پرورش جسمی کودکان امری طبیعی است. کودکان در اثر ورزش ها و تمرین های گوناگونی که در مدرسه و به عنوان درس انجام می دهند، قابلیت کنترل اندام ها و عضلات خود را کسب می کنند. جنبه های روانی تربیت کودک نیز امروزه به صورت اصلی مهم در رشد و پرورش کودکان مطرح می گردد. معلمین از داده های روانشناسی و تعلیم و تربیت برای ارتقای بهره کاری کودکان استفاده می کنند و در این رابطه به مسایل روانی و عاطفی کودک نیز توجه دارند، به طوری که در اکثر مدارس جهان بر روی تشویق و پاداش کودک به جای روشهای تنبیهی و مجازاتی تأکید می شود. مدارس از جنبه های اجتماعی نیز در رشد کودکان بسیار موثر می باشند. کودکان بعد از سنین شش سالگی ساعات زیادی را در مدرسه می گذرانند و مدارس بر حسب نیازهای جامعه خود، کودکان را به صورت انسانی اجتماعی به جامعه تحویل می دهند. مدرسه به عنوان گروه ثانویه تأثیری مهم در اجتماعی کردن کودکان دارد. در مدرسه است که بتدریج قواعد و هنجارهای زندگی جمعی به آنان آموخته می شود. نظم و ترتیب، تمرکز و پشتکار برای انجام دادن وظایف، احترام به حقوق دیگران و ... از طریق کلاس درس به کودکان آموخته می شود. همچنین کودکان در رابطه با دیگران قادر به گسترش و غنی تر کردن روابط اجتماعی خود می شوند. فرآیندهای مختلف مانند همکاری، رقابت، مساعدت و ... را فرا می گیرند. در عین حال کودکان نه فقط با جامعه، افراد جامعه و نقشی که بر عهده دارند آشنا می شوند، بلکه مهمتر از آن، با وجود خودشان به عنوان انسانی مسئول، تصمیم گیرنده و خلاق نیز آشنا می گردند

کلمات کلیدی:

تضاد، آموزش و پرورش، جامعه، کتاب فارسی اول دبستان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/683989>



